

لیلا ابراهیم پورشاگردانی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق زن در اسلام، دانشکده علوم انسانی واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

عصمت سوادی^۱

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت و پیگیری از مطالبات زنان در نظام فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران

چکیده

گسترده‌گی جوامع باعث افزایش نیازهای مردم و درنهایت مشکلات و آسیب‌های جدی برای آن‌ها به‌ویژه زنان هر جامعه گردیده و به تبع مشکلات و آسیب‌های جامعه زنان منجر به آسیب خانواده و اجتماع می‌گردد؛ از این رو در فضای کنونی کشور نیاز به حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) از زنان، برای استحکام بنیان اجتماع و خانواده به‌شدت احساس می‌شود؛ لذا، این پژوهش باهدف بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت و پیگیری از مطالبات زنان در نظام فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران، صورت گرفته است. برای این منظور در این مقاله از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده است و نتایج حاصله از تحقیق نشان از اهمیت تلاش سازمان‌های مردم‌نهاد به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد زنان برای پاسخگویی به نیازهای امروز جامعه زنان کشور دارد که در این راستا، تلاش برای ارتقاء جایگاه زنان در جامعه و خانواده به‌عنوان یک عنصر اصلی سازنده اجتماع، افزایش حمایت از توان‌افزایی و ارتقای مهارت‌های مدیریتی زنان، برگزاری دوره‌های آموزشی ارتقای مهارت‌های علمی زنان و... است درنهایت این سازمان‌ها می‌توانند با جامعه زنان ارتباط برقرار نموده و خواسته‌های آنان را به‌حق در نظام فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران مطالبه نمایند.

واژگان کلیدی: سازمان‌های مردم‌نهاد، حمایت زنان، مطالبات زنان، نظام فقهی و حقوقی.

^۱e_savadi@yahoo.com

مقدمه

گسترده‌ی خواستگاه‌های افراد یک جامعه که می‌توان آن را همان گسترده‌ی ابعاد امنیت انسانی دانست، موجب شده است که دولت‌ها به‌عنوان مراجع و متولیان اصلی برقراری امنیت نتوانند به‌خوبی در تمام حوزه‌ها اثرگذاری مقتدرانه‌ای داشته باشند و این اتفاق موجب شده، تا مردم به‌صورت خودجوش برای تأمین نیازهای خود با تشکیل و پیوستن به سازمان‌های مردم‌نهاد اقدام نمایند. در این راستا سازمان‌های مردم‌نهاد مجامعی برآمده از دل مردم به‌صورت خودجوش و دارای هدفی مشترک و خیرخواهانه با گرایش‌های غیرسیاسی، غیردولتی و غیرانتفاعی می‌توانند نقش‌های مهم و اساسی را در برقراری و گسترش امنیت انسانی ایفا نمایند.

تشکل‌های غیردولتی بازوی پرتوان دولت در تحقق اهداف توسعه هستند، سازمان‌ها و نهادهای مردمی با افزایش روحیه و انگیزه مسئولیت‌پذیری در افراد جامعه، می‌توانند زمینه و بستر لازم را برای حضور مردم در تمامی مراحل مربوط به تصمیم‌گیری و اجرای آن فراهم کنند و بدین ترتیب جامعه را به سمت سلامت و دور بودن از آسیب‌ها سوق دهند. آسیب‌های اجتماعی از ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی‌های موجود در جامعه بروز می‌کند و با افزایش روزافزون جمعیت، مهاجرت، گسترش حاشیه‌نشینی، فقدان مهارت‌های زندگی در کلان‌شهرها، گسست پیوندهای عاطفی و خانوادگی، تقسیم ناعادلانه منابع و برخی موارد دیگر در حال افزایش است.

در جامعه ما سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌های مردمی سازمان‌یافته و شناسنامه‌داری هستند که نقش تسهیل‌گر را میان مردم و مسئولین ایفا می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد به دلیل اینکه از جنس مردم هستند در دل اجتماعات مردمی شکل گرفته‌اند، به بهترین صورت می‌توانند نیازها، خواسته‌ها و مشکلات مردم را شناسایی کنند و با اتکا به نقش مطالبه‌گرانه‌ی خود موجبات رفع این موارد در حوزه‌های مختلف را فراهم آورند.

از آنجایی که توسعه هر جامعه‌ای متضمن یک سری مبانی، معیارها و عوامل است، به همین جهت، حضور فعالانه افراد در صحنه‌های گوناگون جامعه و به‌اصطلاح مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان، از عوامل بسیار مهم و حیاتی در امر توسعه اجتماع به شمار می‌آید. در این راستا به‌ویژه مسئله مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان نیز بسیار حائز اهمیت است.

بنابراین، زنان به‌عنوان بخش مهمی از پیکر اجتماع، حامل بار سنگین مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی هستند و می‌توانند در صحنه‌های گوناگون حضور یابند. سازمان‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند در این زمینه کمک قابل‌توجهی را برای حضور زنان در جامعه ایفا نمایند.

سازمان‌های مردم‌نهاد

رشد و توسعه پایدار در هر کشور یکی از ضروریات غیرقابل‌انکار در دنیای امروز است. جوامع بشری با ایجاد همبستگی عمومی می‌توانند مسیر ایجاد ثبات و امنیت را هموار سازند و به‌تبع این پویایی سازوکارهای نظام‌مندی را ایجاد نمایند. در دنیای مدرن امروز بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نظامی که تعاملات کلان و سیاست‌گذاری‌های هر جامعه انسانی را بر عهده دارد حکومت و سیستم دولتی است.

در این نظام اهداف و آرمان‌های از پیش تعیین‌شده‌ای که منافع ملی، بین‌المللی جامعه را در برداشته باشد در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان مدنظر قرار می‌گیرد و مکانیسم‌های تولید و تسهیل روند دستیابی به وضعیت مطلوب طراحی می‌شود. در این میان همکاری و هماهنگی مجموعه‌های پژوهشی، برنامه‌ریزی و اجرایی که به‌صورت یک چرخه فعال می‌توانند روند مناسبی را در توسعه نظام‌های اجتماعی ایجاد کنند، نقش مهمی را ایفا می‌نماید. وجود تشکیلات منظم و منسجم در برقراری ارتباط سازمانی و حفظ تداوم فعالیت، نیاز به برهم‌کنش‌های متعدد اجتماعی دولت با مردم و بالعکس دارد تا بتواند با تعامل دوجانبه و شناسایی آرمان‌ها و نیازهای اجتماعی در شرایط بهینه‌سازی پایدار قرار گرفته که در نهایت به بستری برای رشد مادی و معنوی جامعه تبدیل شود. لذا گروه‌بندی‌هایی که در سطح جامعه اتفاق می‌افتد این فرصت را برای افراد با هر نوع نگرش و منزلت اجتماعی ایجاد می‌نماید تا با انتخاب حوزه فعالیت خود متناسب با استعدادها و گرایش‌های ذهنی خود محیطی کارآمد و تأثیرگذار را ایجاد نمایند تا بتوانند دایره نفوذ فردی‌اش را در یک فضای جمعی گسترش ببخشند.

از آنجایی که همه‌ی افراد جامعه نمی‌توانند در دستگاه‌های دولتی جذب‌شده و به ارائه خدمت به جامعه بپردازند، و این کار به‌طور عملی و منطقی میسر نیست، بنابراین در یک جامعه مردم‌سالار، اجتماعاتی جهت رفع نیازهای مردمی با ساختار سازمانی خاص شکل می‌گیرد. این تشکیلات در قالب یک سازمان مردم‌نهاد (NGO) پتانسیل خاصی را ایجاد

می‌نماید که می‌تواند منشأ بسیاری از تحولات تأثیرگذار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باشد.

سازمان غیردولتی که معادل واژه (Organization governmental-Non) ترجمه شده است، به سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که توسط مردم و برای رفع یک مشکل جمعی شکل می‌گیرند. واژه سازمان مردم‌نهاد (سمن) از سوی فرهنگستان زبان فارسی و پس از آغاز کار دولت نهم به جای واژه سازمان غیردولتی مورد استفاده قرار گرفت. در اولین کارگاه آموزشی اصول مبانی مدیریت سازمان‌های مردم‌نهاد که توسط خانه سازمان‌های غیردولتی استان کرمان در سال ۱۳۸۴ برگزار شد، سازمان مردم‌نهاد «یک مجموعه از افراد هم هدف و داوطلب باگرایش‌های غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیراقتصادی که برای تحقق یک هدف مشترک خیرخواهانه گرد هم جمع شده و طبق ضوابط و قوانین خاصی به انجام فعالیت‌های مشخص می‌پردازند» تعریف شد. (محسنی، جار اللهی، ۱۳۸۲: ۳۷)

سیر شکل‌گیری و تحول سازمان‌های مردم‌نهاد زنان

در ایران زنان ایرانی از دیرباز از یک‌سو به دلیل محدودیت عرصه‌ی مشارکت در حوزه‌های دیگر و از دیگر سو به دلیل عدم حساسیت فرهنگی و اخلاقی به فعالیت در تشکل‌های داوطلبانه، جذب فعالیت‌های داوطلبانه شده‌اند. مشارکت در تشکل‌های داوطلبانه به دلایل فوق، مسیری امن برای زنان فعال به حساب می‌آمده است، زیرا مقاومت جامعه‌ی مردسالار در برابر آن حداقل بوده است. در ادامه به‌طور اجمال دوره‌های تکوین تشکل‌های داوطلبانه زنان بر اساس بستر تاریخی، ساختار سازمانی، کارکرد و رویکرد و نهایتاً ارزش‌های اجتماعی بررسی و تحلیل می‌شود. پیش از اسلام هسته‌ی مرکزی تشکل‌های داوطلبانه گروه‌های همیاری بوده است که در جوامع روستایی وجود داشته و هم‌اکنون هم اشکالی از آن در بعضی از روستاها دیده می‌شود. می‌توان گفت زنان از تأثیرگذاران جدی در اعتصاب‌ها و کمک‌های مالی به مشروطه خواهان در دوران مشروطه بودند و برخی از آنان نیز بالباس مبدل، دوشادوش مردان برای انقلاب مشروطه جنگیدند و کشته شدند. انجمن‌های زنان نقش به‌سزایی در تأسیس مدارس متعدد دخترانه باشگاه زنان و باز شدن پای زنان به عرصه‌ی روزنامه‌نویسی و معلمی داشتند. گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد زنان نیمه سنتی و مدرن با افزایش چشمگیر کمی و کیفی، در سطوح مختلف

تحصیلی دختران و زنان جامعه همراه شد و همچنین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی زنان جایگاه بهتری برای فعالیت در این عرصه پیدانمودند.

همچنین نقش و تأثیرات چهارمین کنفرانس جهانی زن پکن (۱۹۹۵) را نمی‌توان در تاریخچه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد زنان ایران نادیده انگاشت. زیرا این کنفرانس نقطه عطفی در گسترش فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد زنان در سطح ملی و بین‌المللی بوده است. این تأثیرات همچنان بر روند فعالیت‌های تشکلی‌های مردم‌نهاد زنان ایران سایه گسترده است. دوران اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، دوران رشد و گسترش ورود سازمان‌های مردم‌نهاد به جامعه مدنی است. پس از سال ۱۳۷۶ پدیده جهانی شدن، نقش و تأثیرپذیری دولت از مناسبات جهانی و تبادلات فرهنگی، علمی و فکری میان اقصی نقاط جهان و از سوی دیگر رشد و گسترش بی‌سابقه آموزش و سطوح مختلف آن در میان زنان جامعه و اشتیاق روزافزون زنان از عوامل تسریع و تسهیل‌کننده رشد و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد زنان در ایران است. دوران موسوم به اصول‌گرا (۱۳۹۲-۱۳۸۴) دوران رشد و ورود سازمان‌های مردم‌نهاد اصول‌گرا به جامعه مدنی و ترکیبی از مشارکت توده‌وار و مدنی بود. در این دوره گرایش عمده دستگاه‌های دولتی عمدتاً به سمت و سوی حمایت از تشکلی‌های خیریه‌ای و حمایتی بود. وجود نگاه امنیتی و سیاسی به فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در این دوره قوت گرفت و رشد و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد مدرن و تخصصی محدود و دچار رکود شد برخی از تشکلی‌ها نیز غیرفعال شدند. دوران موسوم به اعتدال (۱۳۹۲ تاکنون) به نظر می‌رسد دوران، رشد و گسترش ورود سازمان‌های مردم‌نهاد به جامعه مدنی است. سیاست‌های کلان دولت بیانگر جهت‌گیری‌های اساسی در پرداختن به بخش مردم‌نهاد و واگذاری کار مردم به مردم است. سیاست‌ها و ارزش‌های حاکم بر این دوره قانون‌مداری، اعتدال‌گرایی، بهره‌گیری از خرد جمعی است که بیانگر جهت‌گیری‌های اساسی دولت در پرداختن به بخش مردم‌نهاد و واگذاری کار مردم به مردم است. (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰: ۱۰۵)

حقوق زنان

یکی از مؤلفه‌های انکارناپذیر جامعه مدنی احقاق حقوق برای همه شهروندان در جامعه است. حقوق زنان از جمله حقوق مطرح در این زمینه می‌باشد. امروزه از دیدگاه صاحب‌نظران توسعه مسلّم به نظر می‌رسد که گسترش مشارکت مردمی در فرآیند توسعه

امری اجتناب‌ناپذیر است. به گفته مانوئل هانتینگتون، پایه مشارکت سیاسی توده‌ها در مفهومی از شهروندی نهفته است که طی آن همه شهروندان از حداقل حقوق برابر و مسئولیت‌های مشارکت در حکومت برخوردارند. از طرفی جامعه باید به خودباوری برسد و متشکل و منسجم گردد تا بتواند سهم خود را از توسعه ایفا کند. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۷: ۴۳) پس یکی از شرایط تحقق مشارکت همه‌جانبه، مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف است. مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان به‌عنوان یکی از شاخص‌های جامعه مدنی می‌تواند زمینه را برای گسترش و تحقق حقوق زنان فراهم آورد. جامعه مدنی مدافع حقوق یکسان برای کلیه شهروندان، عاری از تعصبات و تبعیضات جنسی، نژادی، مذهبی، طبقاتی و فیزیکی اتباع خود است.

زنان به‌عنوان نیمه دیگر جامعه می‌توانند روند پیشرفت را تندتر کنند. طرز برخورد دولت و حکومت و شیوه نگرش حکومتی به زن نیز در ارتقاء سطح اجتماعی و سیاسی زنان مؤثر است. نگاه از موضع ضعف به زنان باعث خانه‌نشینی آن‌ها می‌شود. جامعه مدنی در پی آن است که زن را در موقعیتی مناسب قرار دهد. از طرفی جامعه مدنی به معنای عملی و سخت‌افزاری آن شامل نهادها و تشکلهایی می‌شود که زن از طریق آن می‌تواند حضور خود را به اثبات برساند. در جمهوری اسلامی ایران دغدغه‌ی حقوق زنان یکی از مسائل همیشگی جامعه ایرانی بوده است. حضور زنان در جریان انقلاب زمینه را برای پیروزی سریع‌تر انقلاب ایران فراهم آورد. برای مشخص شدن وضعیت زنان در ایران پس از انقلاب، شاخص‌های مهمی باید مورد بحث قرار گیرد. در این راستا با بررسی وضعیت مشارکت سیاسی زنان، حضور زنان در رسانه‌های نوشتاری و دیداری و همچنین فعالیت زنان در سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی می‌تواند معیار حقوق زنان را در جامعه ایرانی مشخص و مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. (عظیمی نژادان، ۱۳۸۴: ۳۲)

انواع مطالبات زنان

به جهت همه ضرورت‌ها و قابلیت‌های برشمرده لازم است موقعیت زنان در استراتژی ملی رئیس‌جمهور منتخب مردم معلوم گردد تا توان و تکالیف، حقوق و حدود، به‌درستی شناخته و دنبال شود بدین منظور ما نیز از انباشت حرمان‌ها، مرارت‌ها، و توقعات انجام‌نشده زنان، مطالباتشان را دسته‌بندی نموده و ضمن اعتراف به اینکه انباشت مطالبات زنان یا نتیجه دورافتادگی از قوانین مترقی اسلام است و یا ناشی از اجرای نادرست قوانین

درست، آرزو می‌کنیم که بعد از این حرف‌های ابری شکل و متغیر در موضوع زنان پایان پذیرد، تا بعد از این کمتر شاهد سرگردانی زنان در رسیدن به قله قاف آرزوها و تعارفات ناشدنی باشیم و ببینیم که با یک نگاه واقع‌گرایانه مسئولان در آشنا در رفع موانع جدی‌ای که بر سر راه ترقی و تعالی زنان وجود دارد، سخت‌کوشی می‌کنند که البته این حقیقت را هم باید از نظر دور نداشت که زنان جویای تأمین حقوق در جامعه امروز، در وقت ضرورت ایثار حقوق فردی چگونه حقوق خود را در پای تکالیف عظیمی چون حفظ کیان اسلام و انقلاب همانند دوران دفاع مقدس فدا می‌کنند و نکته آخر، قبل از طرح فهرست مطالبات زنان، این است که این مطالبات، در راستای کسب توصیفی است که امام رحمه‌الله علیه از اسلام داشتند، ایشان در فرازی از سخنان خود فرمودند: اسلام دو کلمه است کلمه اول این است که «لَا تَظْلَمُونَ» یعنی ظلم نکنید و کلمه دوم آن است که «لَا تُظْلَمُونَ» یعنی مورد ظلم واقع نشوید و چه کسی است که نداند برای ظلم نکردن «اخلاق» می‌خواهیم و برای ظلم نشدن «قانون»، در این تعریف کوتاه و محکم و مستند، حضرت امام هم روح اخلاقی اسلام، برای ساختن انسان تبیین می‌شود و هم روح نظام‌مندی و قانون‌گرایی آن برای ساختن جامعه، چراکه اخلاق، فرد را تطهیر می‌کند و قانون جامعه را، البته باید در همین موضوع اعتراف کرد که ما در مسئله زنان از یک‌سو با کمبود قوانین متوازن و معین حقوق و حدود ایشان مواجهیم و از سوی دیگر با وفور عدم اجرا و یا اجرای ناقص قوانین، که اگر این بی‌اعتنایی‌ها و بی‌توجهی‌ها ادامه یابد معلوم نیست که چه هزینه‌های سنگینی را برای آن متحمل خواهیم شد و چه آسان و ناباورانه از «عرصه فرصت‌های نزدیک» به «ورطه تهدیدهای ناگهانی» خواهیم افتاد. که اذیت شدن زنان ضمن اینکه، آرامش نیمی از جامعه را بر هم می‌زند، و پرورش نیمه دیگر آن را نیز مختل خواهد نمود و چه زیبا و جامعه‌شناسانه امام علی بن ابیطالب (ع) فرموده است: و لا تهییجوا النساء باذی... «زنان را با اذیت‌ها دچار هیجان نکنید» که نه آنان آرام می‌یابند و نه جامعه. (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰: صص ۹۴-۹۱)

مطالبات زنان در عرصه فرهنگی

تبیین توان و استعداد زنان و لزوم افزایش و به‌کارگیری آن بر اساس آموزه‌های دینی و مستندات سنت و سیره معصومین و بینش و روش امام و مقام معظم رهبری.

تبیین دیدگاه‌ها اسلام در موضوع زن و تبدیل نظرگاه‌ها به سیاست‌ها و برنامه‌ها به منظور تأمین «حق مساوی بودن» در حقوق انسانی و «حق متفاوت بودن» در حقوق زن بودن.

تبیین حقوق و حدود ویژه زنان و روان‌سازی پذیرش و آسان‌سازی دسترسی به ملزومات مربوط به آن در بعد تکوینی نظیر قاعدگی، بارداری، زایمان، شیردهی و در بعد تکریمی نظیر حجاب و... .

تبیین نظرگاه‌های لیبرالیسم فمینیسم در موضوع هویت زن، نحوه حمایت از او و نتایج عمل و کارکرد این نگاه در جوامع مختلف. (رستمی، ۱۳۸۳: ش ۱۱۰)

مطالبات زنان در عرصه اجتماعی

- بهره‌مندی از بهداشت، پوشاک، تغذیه، تفریح، مناسب و متناسب با حقوق و حدود زنان.

- دسترسی آسان و فراگیر و ارزان به اقلام موردنیاز جهت تأمین حجاب، بهداشت، تفریح سالم و... .

- رسیدگی امدادی به زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب‌های اجتماعی .

- ترسیم منحنی آگاهی‌ها و اطلاعات موردنیاز زنان جهت انجام وظایف و کسب حقوق. (ستوده، ۱۳۸۶: ۷۶)

مطالبات زنان در عرصه سیاسی

تبیین سهم زنان در چینش مدیران سیاسی کشور.

تبیین جایگاه نخبگان و توده‌های زنان در مشارکتهای سیاسی کشور.

تبیین نقش نخبگان و توده‌های زنان در مشاغل سیاسی کشور.

تبیین استراتژی مشخص و متوازن بر اساس آموزه‌های دین به منظور بهبود وضعیت منحنی فرصت‌های مشارکت و مشاغل سیاسی زنان.

تبیین نقش زنان در تحقق انقلاب فرهنگی و صدور فرهنگ انقلاب.

تبیین جایگاه و سهم سیاسی زنان در چینش مدیریت‌های عالی کشور.

تبیین نقش زنان در مشاغل سیاسی در تاریخ اسلام.

تبیین نقش زنان در مدیریت‌های کلان حکومت حضرت مهدی (عج) با توجه به نسبت قابل تأمل کمتر از یک به ۶ حضور زنان درامیران و سران حکومت ایشان. (کار، ۱۳۷۹: ۷۲-۷۱)

مطالبات زنان در عرصه‌های اقتصادی

تعریف کار زنان و تعیین و حمایت از تأثیر آن در درآمد ملی.

تبیین جایگاه اقتصادی زن از دیدگاه اسلام و مرز پایانی و حمایت‌های عملی نظام از آن.

تبیین دیدگاه نظام نسبت به ضرورت، میزان و حمایت دسترسی به مشاغل و فرصت‌های اشتغال‌زا.

تبیین مفهوم و پی‌گیری عملیاتی شایسته‌سالاری در مشاغل.

حفظ و حمایت از طبیعت زن و دفاع عدالت‌مندان از جذب، به‌کارگیری، ارتقاء و بازنشستگی و فوت زنان در مسیر اشتغال.

تبیین ضرورت توانمندسازی اقتصادی زنان و شناسایی مصادیق آن و ارائه طریق.

پیش‌بینی مراکز حمایت‌کننده از حقوق اقتصادی زنان در تظلمات و رسیدگی به

شکایات ایشان (رحمانی، ش ۱۲۰، شهریور ۸۲)

شناسایی نیازمندی‌ها، اعتباربخشی به مطالبات

مطالبه، احساس نیازی است که به خواسته تبدیل شده باشد. بر این اساس، تحلیل «احساس نیاز» در شناسایی مطالبه‌ها ضرورت دارد. در اینجا توضیح این نکته لازم است که احساس نیاز همواره از نیاز واقعی بر نمی‌خیزد، زیرا ممکن است افراد، بعضی اوقات اموری را که واقعاً بدان نیاز دارند احساس نکنند بنابراین نه همواره آنچه احساس می‌شود، نیاز واقعی است و نه همیشه نیازهای واقعی مورد التفات واقع می‌شود. اما زمانی وضعیت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، اموری را ارزشمند جلوه می‌دهند و این ارزش‌های جدید نیازهای جدیدی می‌آفرینند و ما را به سمت مطالباتی سوق می‌دهد که الزاماً از نیازی واقعی حکایت نمی‌کنند. برای مثال مصرف‌گرایی و مدگرایی به‌عنوان دو مؤلفه مرتبط به هم فرهنگی، مقتضی کسب درآمد بیشترند و لازمه درآمد بیشتر آن است که یا نان‌آور خانواده دو شغل داشته باشد و یا با رفتارهای غیرقانونی مانند اختلاس و ارتشاء

درآمد خود را افزایش دهد و یا زن و شوهر هر دوشاغل باشند. بنابراین نمی‌توان گفت اشتغال زنان در هر بستری، یک نیاز واقعی به شمار می‌رود.

در اینجا روشنگری فرهنگی، جهت‌دهی به امیال و غرایز از طریق تصحیح نظام تربیتی و اصلاح برخی ساختارها می‌تواند افراد را به خودآگاهی کافی درباره نیازهای واقعی‌شان برساند. همین امر در سطح کلان به پدیده‌ای منجر می‌شود که آن را مدیریت مطالبات می‌نامیم. وقتی مطالبات در چنین فضایی شکل بگیرند، اعتبار و مشروعیت کافی خواهند داشت، زیرا چنین مطالباتی نظام اسلامی را به تأمین خواسته‌هایی سوق می‌دهد که در مجموع سعادت فرد، خانواده و اجتماع را تأمین خواهد کرد. (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۳۸) نیازها، چه کاذب و چه واقعی، وقتی به مرحله احساس و ادراک خودآگاه فرد می‌رسند، منشأ آثار خواهند شد. اگر نیاز کاذبی، به دغدغه فردی بدل شود، می‌تواند در مسیر طبیعی زندگی فرد اخلاص ایجاد کند؛ آرامش خانوادگی، هویت جنسی و رضایت‌مندی از زندگی از جمله مواردی هستند که در چنین شرایطی لطمه می‌بینند. حال اگر نیازهای کاذب به دغدغه‌ای اجتماعی تبدیل شوند و رنگ مطالبه به خود بگیرند، در برنامه‌ریزی‌های کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر خواهند داشت و در ابعاد فرهنگی نیز به تغییر خرده‌فرهنگ‌ها و عرف‌های گوناگون منجر خواهند شد.

در مقابل اگر یک نیاز واقعی، شناسایی و احساس نشود، واقعیتی که به تعادل زندگی کمک می‌کند مورد غفلت قرار می‌گیرد. برای مثال اعتماد به نفس و ارتقاء خودآگاهی، آگاهی از مهارت‌هایی که برای بهبود وضعیت زندگی لازم است، ازدواج و تشکیل خانواده نیازهایی هستند که باید انسان‌ها به موقع، بدان‌ها توجه کنند. بدیهی است مطالبه یک نیاز واقعی توسط گروهی از زنان، سرمایه معنوی مهمی به شمار می‌آید مطالبه این نیاز را تا مرحله اقدام متولیان پیش می‌برد. بنابراین باید راه‌هایی مطمئن برای احراز مطالبات واقعی زنان یافت. (پیران، ۱۳۸۰: ۳۷)

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مطالبات زنان

۱- حوزه فرهنگ و اقتصاد

۲- حوزه سیاست

مطالبات زنان، آثار و پیامدها

شناخت مسائل و مشکلات زنان و نیازهای واقعی‌شان، به انضمام درک صحیح و به‌موقع مسئولان از این امور، می‌تواند به هم‌گرایی ثمربخشی در رفع مشکلات منجر شود اما پیدایش دوگانگی در این عرصه، باعث ایجاد مشکلات سیاسی و اجتماعی خواهد شد. اگر خواسته‌های زنان متفاوت از اولویت‌های ارزشی نظام باشد، ایده ناکارآمدی نظام اسلامی شکل می‌گیرد و این احساس در زنان پدید می‌آید که حاکمیت درصدد برآوردن مطالبات آن‌ها نیست. حال اگر در این میان جریان‌ها و تشکل‌های زنانه و حتی فمینیستی وجود داشته باشند که خود را همسو با مطالبات زنان نشان دهند، جامعه زنان ائتلافی ناخواسته در مقابل حاکمیت شکل خواهد داد. به عبارت دیگر جریان‌های مخالف نظام سیاسی از پتانسیل موجود در مطالبات زنان به نفع خود سود می‌برند. بنابراین لایه‌های اپوزیسیون ضخیم‌تر خواهد شد. (نوعی، ۱۳۹۰: ۲۶)

گاهی ناهم‌سویی به شکل متفاوتی بروز می‌کند؛ هرچند که زنان با مشکلات عینی و واقعی دست‌به‌گریبان‌اند و مطالباتی هرچند نهفته در این خصوص دارند؛ اما ممکن است نظام سیاسی کشور اولویت‌های زندگی زنان را امور دیگری بداند. یکی از نشانه‌های تعارض زمانی است که حاکمیت تحت تأثیر خواست مجامع بین‌الملل و حتی متناسب با گزارش‌ها، و بخشنامه‌های نهادهای بین‌المللی، اولویت‌های زندگی زنان دیگر نقاط جهان یا اولویت‌های تصمیم‌گیرندگان و مدیران عرصه بین‌الملل در الگوی غربی را در صدر مطالبات زنان ایرانی قرار دهد.

در چنین فرضی نظام سیاسی، نیازهای کاذب یا مطالبات دسته چندم را به دغدغه‌های اصلی زنان تبدیل می‌کند. آنگاه توده‌های میلیونی زنان که با مشکلات عینی دیگر دست‌به‌گریبان‌اند، از وضعیت موجود احساس ناخرسندی می‌کنند. در حالت دیگر نخبگان جامعه که در زندگی مردم عناصری تصمیم‌ساز و الگوساز بوده‌اند، فارغ از دغدغه‌های زندگی مردم، احساسات و خواست‌های خود را به همه زنان تسری می‌دهند. (سعیدی، ۱۳۸۲: ۳۸)

نکته پایانی در این بخش این است که متأسفانه مسئله زنان، مطالبات و اولویت‌های زندگی آنان، بیشتر برای مدیران زن و مدیران امور زنان دغدغه است و رجال سیاسی نسبت به این مسئله دغدغه کم‌تری دارند و حتی ممکن است احساس شود در حل مشکلات این قشر با صفت‌بندی زنانه و مردانه مواجه شده‌ایم. مسائل زنان به مسائل خانواده و مسئله

خانواده به همه مسائل اساسی کشور در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارتباط دارد و کم‌توجهی مسئولان نظام به مسائل زنان آسیبی جدی به شمار می‌آید. بنابراین لازم است مدیریت نظام اسلامی در هرم سیاسی کشور به مطالبات زنان به‌عنوان کنشی اجتماعی بپانددیشنند که می‌تواند به مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی پیوند بخورد، قطعاً چنین کنش نیرومندی به راهبری و مدیریت نیازمند است. (همان، ۱۳۸۲: ۳۸)

نگاهی به مطالبات واقعی زنان

مطالبه چه بر خواسته از نیاز واقعی باشد یا نیاز کاذب نیازمند توجه مسئولان کشور و مدیران فرهنگی است. به‌عنوان مثال اگر فرض شود که نظام آموزشی علی‌الاصول به‌منظور اشتغال طراحی شده است و به فرض این‌که نظام تحصیل تا سطوح عالی، برای دختران آسان شده است کشور باسپیل دختران تحصیل‌کرده‌ای مواجه می‌شود که جویای شغل هستند. بنابراین نظام نمی‌تواند نسبت به اشتغال آنان بی‌تفاوت باشد و باید برای اشتغال آنان چاره‌ای اندیشید چه اشتغال در زمره نیازهای واقعی باشد و یا در زمره مطالباتی باشد که برآمده از تأثیر ساختارهای فرهنگی اجتماعی و الگوهای سبک زندگی هستند. بنابراین همان‌گونه که برآوردن نیازهای واقعی، رسالت متولیان امور است. توجه به مطالبات دیگر و مواجه صحیح با آن دسته از مطالبات هم رسالتی دیگر است. (نوعی، ۱۳۹۰: ۲۶)

در اینجا می‌توان به فهرستی از مطالبات واقعی زنان اشاره کرد:

- ۱- حمایت‌های مالی از زنان بد سرپرست و فاقد سرپرست
- ۲- اصلاح نگرش‌ها نسبت به جایگاه خانوادگی و اجتماعی زن و اصلاح باورهای عامیانه و تحقیرآمیز
- ۳- ارتقاء وضعیت بهداشت زنان به‌ویژه در موقعیت‌های خاص (از جمله بارداری و زایمان) و نسبت به بیماری‌های خاص زنان (از جمله سرطان سینه)
- ۴- افزایش امنیت زنان در محیط کار و محیط اجتماعی به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری و افزایش کارآمدی اجتماعی آنان
- ۵- کاهش زمینه‌های خشونت خانگی علیه زنان از طریق افزایش مهارت‌های زنان، اصلاح نگرش مردان و مهارت‌افزایی آنان

- ۶- حمایت از زنان سالمند؛ با توجه به بالاتر بودن سن امید به زندگی در زنان و افزایش احتمال تک زیستی در سنین کهنسالی و با توجه به شرایط عاطفی زنان
- ۷- تسهیل شرایط ازدواج با توجه به بالا رفتن سن ازدواج دختران و افزایش میزان مجرد قطعی در میان آنان این نکته که مردان در هر سنی که اراده ازدواج کنند از شانس ازدواج برخوردارند، اما دختران باید انتخاب شوند. به وضوح لزوم توجه خاص به دختران آماده ازدواج را نشان می‌دهد.
- ۸- آشنا کردن مردان با جایگاه و مسئولیت‌های پدری و همسری.
در سالیان اخیر به دلایل مختلف نقش سازنده مردان در خانواده نادیده گرفته شده و یا کم‌رنگ جلوه نموده است و تضعیف این جایگاه، نه تنها نفعی برای زنان ندارد، بلکه موجب افزایش فشار بر آنان برای تأمین بخشی از هزینه‌های اقتصادی و مدیریتی خانواده شده است و تعارض نقش‌ها و فشار مضاعف بر زنان را به همراه داشته است، تثبیت جایگاه مدیریتی و حمایتی مردان به‌عنوان پدر و همسر می‌تواند حمایت از زنان را افزایش دهد و فشارها را از دوش آنان بردارد.
- ۹- حل معضلات قضایی و مشکلات مربوط به آئین‌های دادرسی زنان.
وابستگی زنان، به خانواده احتمال حضور زنان در محیط دادگاه‌ها برای پیگیری دعاوی خود را کاهش می‌دهد، برخوردار نبودن زنان از درآمد مالی موجب پایین آمدن احتمال طرح برخی دعاوی حقوقی می‌شود و شرایط ویژه روابط زناشویی و خانوادگی احتمال طرح دعا علیه همسر یا ثمربخش بودن طرح دعاوی را کاهش می‌دهد، لذا حمایت‌های ویژه از زنان برای دستیابی به حقوقشان و یا حمایت‌های جانبی دیگر موجه می‌شود. (نوعی، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۸)

تلاش زنان در راستای بیان مطالبات خود

زنان در تمام این سال‌ها مطالبات خود را برای تغییر وضع موجود که حاکی از کم‌توجهی به نیازها، نادیده گرفتن استعدادها و پتانسیل‌ها با توجه به نقش‌های محوله به آن‌ها در خانواده و عرصه خصوصی است به‌مراتب ابراز داشته‌اند و البته موفقیت‌هایی نیز کسب کرده‌اند، که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۲۷۸)

- تلاش برای ایجاد حساسیت اجتماعی نسبت به مسائل زنان و انجام اصلاحات قانونی

این موارد مربوط به نابرابری موقعیت زنان و نادیده گرفتن شایستگی و مهارت‌های آنان به شکل رسمی و غیررسمی است. حقوقی چون تعدیل حق مردان برای طلاق از طریق اعمال شیوه‌هایی همچون: محاسبه نرخ مهریه به‌روز و محاسبه اجرت‌المثل، همچنین دادن حق مشاوره به زنان حقوقدان در دادگاه‌ها، بحث درباره افزایش قانونی سن ازدواج، خروج زنان از کشور برای تحصیل بدون مجوز مردان، تغییر مفهوم عسر و حرج، تأمین اجتماعی زنان خانه‌دار و بحث حضانت از جمله مواردی است که مورد توجه حقوقدانان و فعالان زنان در سال‌های اخیر قرار گرفته است. البته باید توجه داشت که این بحث محدود به حوزه عمومی نیست و در حوزه خصوصی نیز تحولاتی در راستای کاهش مردسالاری و اعمال سلطه مردان رخ داده و موجب تغییر شرایط موجود در خانواده‌ها گشته است. ۱. (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۲۷۹)

شرکت زنان در اجلاس‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی (پکن، ۱۹۹۵)

شرکت زنان در این جلسات چه به شکل رسمی از سوی نهادهای دولتی و چه از سوی نهادهای غیردولتی به آن‌ها اجازه داده تا با طرح مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان ایران در سطح جهانی اهمیت خاصی در این خصوص ایجاد شود. علاوه بر انعکاس داخلی و خارجی این حضور، گزارشی ویژه و کتبی و نیز به قلم حضار چاپ شد و در مجموع زمینه‌ساز رقابتی برای حضور نمایندگان سازمان‌های غیردولتی و دولتی در مجامع بین‌المللی آتی گشت تا ضمن گفت‌وگو و تبادل تجارب شکاف جریان‌های داخلی و خارجی زنان تا اندازه‌ای آشکارا و بعضاً ترمیم شود. (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰: ۹۵)

توانمندسازی اجتماعی زنان

۱ پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که دوران مردسالاری در ایران رو به سیری شدن نهاده است. در مقابل این سؤال که در خانواده شما معمولاً چه کسی تصمیمات اصلی را می‌گیرد؟ فقط ۳۵/۵ درصد پاسخ داده‌اند پدر با مقایسه این داده با یافته‌های پژوهشی سال‌های قبل که در ۷۲ درصد از موارد پاسخ‌گویان به مجوز بودن مرد در تصمیم‌گیری خانواده اشاره کرده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار تقسیم قدرت در خانواده در حال دگرگونی است و از همه مهم‌تر این‌که جوان‌ترها و تحصیل‌کرده‌ها بیشتر به تصمیم‌گیری مشارکتی در خانواده اشاره کرده‌اند. بنابراین ارتقاء سطح آموزش باعث شده است که از قدرت انحصاری مردان کاسته شود. به طوری که مشارکت و تصمیم‌گیری‌های

از مهم‌ترین نیازهای اساسی در هر کشور مبحث ارتقا و پویایی فرهنگی جهت تکامل مناسبات اجتماعی است. تولید زیرساخت‌های فرهنگی در شرایط حاضر نیاز به کنش‌های اجتماعی خواهد داشت که بتواند برخاسته از بطن مردم و متناسب با مذهب، عرف و سنن دیرین مرسوم در آن کشور باشد. زنان مسلمان ایران به‌عنوان یکی از ارکان فرهنگ‌ساز نیز با توجه به اهمیت موضوع و درک واقعیت جهان امروز با تشکیل کانون‌هایی که بتوانند در این راستا گام بردارند نقش مهمی را در عرصه توسعه فرهنگی ایفاء می‌نمایند. به‌گونه‌ای که میزان قابل‌توجهی از سازمان‌های مردم‌نهاد زنان، با چنین هدفی ایجاد شده و فعالیت می‌کنند. (شادی طلب، ۱۳۸۴: ۲۷۰)

توانمندسازی اقتصادی زنان

مبحث دیگری که در چارچوب فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد زنان قرار می‌گیرد، توانمندسازی زنان است. مفهوم توانمندسازی از چند بُعد قابل‌بررسی است و می‌توان ۵ اولویت را برای آن در نظر گرفت: رفاه، دسترسی به منابع اطلاعاتی، افزایش سطح آگاهی سیاسی، اجتماعی و بهداشتی، مشارکت در ساختارهای مدیریتی و خودسازی به‌منظور رشد معنوی و روحی، در شرایط کنونی، معمولاً تعاریف متعددی برای توانمندسازی ارائه می‌شود. توانمندسازی فرآیندی است که افراد مهارت‌هایی را برای پیشرفت و غلبه بر مشکلات کسب می‌کنند که هر چه توانایی فرد بیشتر باشد تسلط وی بر خود و عوامل محیطی بیشتر شده و می‌تواند به سطحی از توسعه فردی دست یابد. (سعیدی، ۱۳۸۱: ۶۵)

مشارکت گسترده زنان و راه‌اندازی و اداره سازمان‌های غیردولتی

حضور زنان در عرصه سازمان‌های غیردولتی و مشاغل غیررسمی و همکاری در این امور بسیار فعالانه بوده، چنانکه طبق آخرین آمارها تعداد سازمان‌های غیردولتی زنان تا پایان سال ۱۳۷۹ به ۲۴۸ سازمان رسیده است. تنها در سال ۱۳۸۳، ۴۸۰ سازمان غیردولتی زنان ثبت شده است که از این میزان ۱۳۲ مورد در زمینه فعالیت‌های خیریه، ۲۴۵ مورد در زمینه فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و ۱۱۲ مورد در زمینه فعالیت‌های تخصصی، صنفی مجوز گرفته‌اند. (آمار مرکز امور مشارکت زنان از وضعیت پیشرفت زنان ایران، ۱۳۸۴: ۲۰) پرواضح است که این آمار نشان می‌دهد که زنان می‌خواهند در برابر حوزه‌های رسمی اشتغال که برایشان میسر نیست، راهی باز کنند. (مطیع، ۱۳۸۱: ۳۵) وجود چنین سازمان‌هایی می‌تواند به نظام‌مند شدن تحولات در عرصه مسائل زنان یاری رساند. در

حقیقت زنان دریافته‌اند که بدون تشکیل و سازمان‌دهی قادر به دفاع از حقوق انسانی خود نیستند. (کولایی، ۱۳۸۳: ۸۴) ایجاد انجمن‌های صنفی زنان (روزنامه‌نگاران، معلمان، پرستاران، وکلا و غیره) نشان‌دهنده تلاش صنفی زنان در راه تحقق عدالت جنسیتی است. در این راستا، دستاوردهایی نیز کسب‌شده است، از جمله؛ فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی زنان زرتشتی و کلیمی و ارمنی و همکاری‌شان با زهرا شجاعی و شهلا حبیبی و نمایندگان زن مجلس و زنان حقوقدان، که باعث تصویب لایحه برابری دیه اقلیت‌ها و مسلمانان در هیئت دولت شد، قابل اهمیت است. دیگر سازمان‌های غیردولتی زنان نیز قدم‌های بسیار بلندی در جهت توانمندسازی زنان محروم و دموکراتیک کردن نهادهای درون ساختار قدرت و جامعه مدنی برداشته‌اند. برای مثال، چهره‌های برجسته‌ای از زنان در زمینه خودکشی و اعتیاد زنان و کودکان خیابانی، در کمک به زنان معلول، در مورد زنان محروم شهر و روستا، در کمک به استخدام و کسب درآمد زنان، در زمینه زنان و مبارزه با آلودگی‌های محیط‌زیست و کسب درآمد برای زنان سرپرست خانواده در منطق فقر نشین، در ایجاد فعالیت‌های درآمدزا و تشکیل تعاونی‌های زنان و در پیشبرد طرح‌های مختلف در مناطق روستایی فعالیت‌های چشمگیری داشته‌اند. (رستمی، ۱۳۸۳: صص ۴۲-۴۵)

شرکت پرشور در انتخابات مجلس به‌عنوان نمایندگان زنان

در دوران اول مجلس شورای اسلامی تنها ۴ نماینده از مجموع ۹۰ نماینده زن بودند. این تعداد تا سه دوره ثابت باقی ماند. در دوره چهارم از ۸۶ داوطلب زن ۹ نفر به نمایندگی برگزیده شدند. در دوره پنجم تعداد داوطلبان زن به ۳۵۱ رسید که از میان آن‌ها ۱۴ نفر انتخاب شدند. در دوره ششم از میان ۵۰۴ داوطلب ۱۳ نماینده زن و دوره ششم و هفتم ۱۱ و ۱۲ نفر وارد مجلس شدند و در دوره نهم تعداد داوطلبان زن به ۲۴۹ نفر رسید که ۱۵ نفر وارد مجلس شدند و در دوره دهم داوطلبان زن بالغ بر ۱۰۰۰ داوطلب بود که ۱۷ نفر به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. (آمار مرکز مشارکت زنان از وضعیت پیشرفت زنان ایران، ۱۳۸۴: ۲۰) بی‌شک رشد قابل توجه مشارکت زنان در انتخابات مجلس به‌عنوان داوطلب که از یک سو مبتنی بر تمایل زنان به مشارکت در عرصه عمومی و سیاست است و از سوی دیگر دلالت بر حس مسئولیت‌پذیری و توانمندی بالای زنان علی‌رغم همه محدودیت‌ها و فشارهای موجود دارد، نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. در مجموع، به نظر می‌رسد پس

از گذشت فراز و نشیب بسیار با توجه به شرایط و منابع موجود، زنان طبقه کارگر و طبقه متوسط اعم از زنان شاغل یا دانشجو به این نتیجه رسیده‌اند که مسائل زنان و خانواده، زنان و آموزش، زنان و اشتغال، زنان و معضلات حقوقی و سیاسی مشکل همه زنان است و نه فقط قشر یا گروه خاصی از زنان و از این همسویی‌ها می‌توان به مواردی چون نیاز به اشتغال‌زایی منطبق با نیروی انسانی ماهر و متخصص زن، برنامه‌ریزی مدون و اختصاص بودجه برای رونق سازمان‌های غیردولتی، صنفی تخصصی و خیریه زنان، بازنگری‌های حقوقی و فرهنگ‌سازی هماهنگ با مسئولیت زنان در عرصه خصوصی و عمومی به‌طور کلی اشاره کرد. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳)

نتیجه‌گیری

حضور داوطلبانه و مشارکت مردمی در ایران از قدمت و سابقه قابل توجهی برخوردار است و حرکت‌های مردمی اگرچه در قالب سازمان‌های غیردولتی تعریف شده امروزی، بلکه در اشکال سنتی و توده‌ای همواره در عرصه‌های مختلف، نقش‌آفرینی کرده است، اما امروزه این مشارکت در قالب تعاریف سازمان‌های غیردولتی می‌تواند با جلب اعتماد مردم و فراخوان آنان به مشارکت، گام مؤثری را در رفع معضلات و مشکلات بردارد و به‌ویژه در میان زنان، شکل تکامل‌یافته هیئت‌های داوطلبانه با استعانت از مزایای ساختار تشکیلاتی به سازمان‌هایی تبدیل شود که در زمینه‌های مختلف با توجه به شرایط کشور فعالیت‌های مفیدی را انجام دهند. لذا با توجه به فعالیت‌هایی که تاکنون سازمان‌های غیردولتی، زمینه‌ساز انجام آن بوده‌اند می‌توان نقش‌آفرینی این سازمان‌ها را برای ارتقاء جایگاه زنان در جامعه ایران به شرح زیر عنوان کرد:

فراخوان و بسیج گروه‌های مختلف زنان که در فرآیند توسعه دخیل هستند به‌منظور مشارکت در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی.

تشویق دولت به حمایت از مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی زنان. ارتقاء نقش محوری زنان در برنامه‌های پژوهشی، آموزشی، ترویج و آموزش کشاورزی و مواد غذایی.

تلاش برای دسترسی زنان محروم مانند زنان معلول، مهاجر و پناهنده، یا زنان سرپرست خانوار به آموزش و ارتقاء سطح آگاهی‌ها و توانمندی.

تلاش برای ایجاد اشتغال زنان ارتقاء سطح آگاهی‌ها و توانایی‌های خوداتکایی و ارائه خدمات آموزشی، مالی و خدماتی به زنان پناهنده.
ایجاد ارتباط میان زنان کشورهای مختلف و تبادل فرهنگی و تجربیات.

کتاب

۱. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، در آمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیردولتی، نشر سمت، تهران.
۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، نتایج آمارگیری از سازمان های غیردولتی، مرکز آمار ایران، دفتر انتشار و اطلاع رسانی، تهران.
۳. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳)، تشکیل ها و نهادهای غیردولتی مذهبی در ایران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، تهران.
۴. شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱) توسعه و چالش های زنان ایران، تهران: نشر قطره.
۵. ستوده، هدایت اله (۱۳۸۶)، آسیب شناسی اجتماعی، نشر آوای نور، تهران.
۶. محسنی، منوچهر و عذرا جار اللهی، (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در ایران - انتشارات آرون
۷. عظیمی نژادان، شبنم، (۱۳۸۴)، زنان معمار جامعه مردسالار، انتشارات اختران، تهران

مجلات

۱. ژانت آفاری، (۱۳۸۲)، جنبش زنان ایران غیرمتمرکز و گسترده، مجله زنان: شماره ۹۸.
۲. آمار مرکز مشارکت زنان از وضعیت پیشرفت زنان ایران، ۸ سال کار برای زنان، گفتگویی با زهرا شجاعی، مجله زنان: شماره ۱۲۱.
۳. پرویز پیران، جنبش های اجتماعی شهری، مجله آفتاب، شماره نهم، آبان.
۴. الهه رستمی، (۱۳۸۳) دستاورد جنبش زنان ایران: برابری جنسیتی به نفع هر دو جنس، مجله زنان: شماره
۶. الهه کولایی، (۱۳۸۳)، عدالت یا برابری جنسیتی، ریحانه: شماره ۸.
۷. مشارکت زنان و دولت هفتم ۱۳۷۹-۱۳۷۶، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
۸. ناهید مطیع، (۱۳۸۱)، زنان ایران حرکت تدریجی، صلح آمیز و مدنی، مجله زنان: شماره ۹۰.
۹. نگاهی به فمینیسم (۱۳۷۷)، موسسه فرهنگی طه، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
۱۰. اخوان کاظمی، مسعود، (۱۳۷۷) توسعه سیاسی و جامعه مدنی، ص ۴۳، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۲۷-۱۲۸

منابع انگلیسی

1. www.roozonline.com
2. Betteridge, Anne H, To Veil or Not To Veil: a mate of protest or policy, Guity Nashat, op,cit
3. Tohidi, Nayere (1994) Gender & Islamic fundamentalism: Ffeminist politics in iran, Newyork: Bloomington 1994.

مقالات

۱. نوعی، غلامحسین، ساجو، لیلا، نقش سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها) در توسعه پایدار، اولین همایش بین‌المللی گردشگری و توسعه پایدار، انتشارات بوم سازه، پایگاه سیویلیکا، ۱.
۲. سازمان‌های غیردولتی، ما و نظام سرمایه‌داری، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مدیریت پژوهش، ۱۳۸۳.
۳. پرستش، رضا، بررسی تشکلهای داوطلبانه در اسلام و ایران، ۱۳۸۴.
۴. سعیدی، علی‌اصغر، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴.
۵. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، صص ۱۲۱۶ - ۱۲۱۸، ۱۳۸۱.
۶. یادداشت تحلیلی، آشنایی با سازمان‌های غیردولتی، سازمان ملی جوانان، تهران، ۱۳۸۳.
۷. گزارش تحلیلی، بررسی وضعیت تشکلهای غیردولتی جوانان، سازمان ملی جوانان، تهران: اهل‌قلم، ۱۳۸۲.
۸. راوودراد، اعظم، (۱۳۸۳) سینمای سیاسی ایران و زنان کارگردان مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی

پایان‌نامه و جزوات

۱. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۱). موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران. رساله دکتری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.